



گزارشی از حواشی حضور بانوان در بازی استقلال-مس کرمان

فوتبال برد



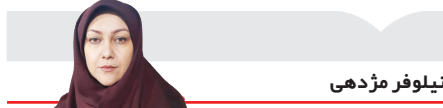
پرسپولیس در روز رونمایی از لوکادیای ناآماده آلومینیوم را شکست داد

طکسم گل و اراک با هم شکست

سمیعی: سازمان لیگ در بحث حق پخش باید با اقتدار حامی استقلال باشد

جبلی از پیشنهاد استقلال استقبال کرد اما برخی مخالف بودند

■ دیگر نمی شود ارقام تخیلی برای حق پخش تعریف کنیم، AFC و فیفا ورود می کنند ■ سازمان لیگ حق استقلال در تبلیغات محیطی را تهاتر می کرد



نیلوفر مژدهی

خبرنگار

گزارش ما را از تهران، ورزشگاه آزادی می خوانید. جایگاه شماره ۵ یادآور حضور پورشور تیغوسی های استقلال و حالا جایگاه هواداران خانم. شاید برای خیلی ها این حضور خیلی معنادار داشت اما تصاویر منتشره از حس و حال خانم ها روی سکوی آزادی آنچنان تاثیری گذاشت که حالا حتی آنهایی که فوتبالی نبودند می خواهند برای یک بار هم که شده حس و حال تماشای فوتبال را تجربه کنند. حوالی ورزشگاه آزادی همانجایی که هنوز خیلی شلوغ نبود خانمی تماشاگران روانه به سوی ورزشگاه را با لیخنه بدرقه می کرد. با او همکلام شدم؛ می گفت: «من اصلا فوتبالی نیستم. باورتان نمی شود فرزندانم وقتی با آن شور و هیجان خاص بازی ایران و استرالیا را که به صعود تاریخی به جام جهانی منجر شد، تماشا می کردند من خواب بودم! اما اینها را که می بینم دلم می خواهد یک بار هم که شده حضور در ورزشگاه و تماشای فوتبال را تجربه کنم. این شادی دوست داشتنی است و مرا که فوتبالی نیستم به وجد آورده است.»

جو مقابل ورزشگاه

شلوغی ورزشگاه خیلی دیدنی است، هرگز از اینکه در ترافیک بمانم تا این حد لذت نبرده بودم. خودرو را در نزدیک ترین جایی که می توانستم پارک کردم و روانه ورزشگاه شدم. خانم ها که همیشه عاشق خرید و بازار هستند، این بار هم از پیشگامان و از مشتریان پروپا قرص دستفروشان پرچم و بوق بودند. کلاه های خاص هواداری می خریدند و از لحظه لحظه حضورشان لذت می بردند. در تمام دقایق که فصل قبل حتی در دیرترین ساعات شب به ورزشگاه آزادی می رفتم فقط یک هدف بیش از بقیه مرور می شد و آن رسیدن به این روز بود. می دانم که همکارانم، برخی مسئولان و بسیاری آدم های ریز و درشت برای اینکه این دره روی خانم ها باز شود، تلاش می کنند. یکی از سر وظیفه، یکی به اجبار و یکی به خواست قلبی خودش اما این تلاش بود که اهمیت داشت و نتیجه این اتحاد برای باز شدن درهای ورزشگاه ستودنی بود. یکی از دختران جوانی که با ظاهری جالب و کاملاً هواداری راهی در ورودی بود، دقایقی به حرف گرفتم. خیلی جالب بود نمی دانست چه بگوید. خواست در گزارشم نویسم اما گفت: «دل مان شور می زند و نمی دانیم چه جوی دارد. مثل آدمی هستم که یکی از هیجان انگیزترین وسیله های شهر بازی را سوار شده است. برای صحبت از حس و حال باید تا بعد از بازی صبر کرد.»

کمی آنطرف تر پدر و دختری را دیدم که برابم جلب توجه کردند. دختر تقریباً ۱۰، ۱۲ سال داشت. به او گفتم می دانی نمی توانی با پدر یک جانبشینی؟ به پدرش نگاه کرد و وقتی لیخنه او را

دید، گفت: «از بابا پرسیده ام باید چه کار کنم. او همیشه دوست داشت با هم به استادیوم بیاییم. خیلی وقت ها به خاطر اینکه من تنها فوتبال تماشا نکنم در خانه می ماند. بازی های مهم به کافه می رفتم و در جمع دوستان بازی را تماشا می کردم. اما این بار با هم به ورزشگاه آمدم. او گفته از سکوی روبه روی مرا دارد.» با خودم فکر می کنم این حرف ها و این رفتارها زیباتر از بازی فوتبال هستند. ناخود آگاه به یاد هواداران دیگر تیم ها می افتم. می دانم حسرت آنها نیز رویه پایان است و شک ندارم به زودی درها برای آنها هم باز می شود. پدر و دختر را بدرقه می کنم و از اینکه دوشادوش هم به سوی ورزشگاه می روند قاب زیبایی در ذهنم نقش می بندد. چیزی به شروع بازی نمانده است. می گویند بازار سیاه بلیت مثل همیشه داغ است. نمی دانم آیا این بازار سیاه شامل هواداران خانم هم می شود یا نه. از چند نفری می پرسم که آیا بلیت بازار سیاه برای خانم ها هم وجود دارد که اغلب تایید می کنند ولی من هر چه گشتم نتوانستم ردی پیدا کنم. شاید لو رفته ام و چون فهمیدند خبرنگارم به من اطلاعات نمی دهند. به هر حال بازی در حال شروع شدن است و هواداران برای رسیدن به سکوی آزادی حاضرند باج بدهند.

جو روی سکوا

در ابتدای نیمه از جایگاه برای تماشاگران خانم در نظر گرفته شده بود. تصور اینکه هر ۵۰۰ نفری که بلیت تهیه کردند به ورزشگاه بیایند شاید دور از انتظار بود. آنها اما آمدند و قبل از اینکه بازی شروع شود صندلی ها پر شد. در ادامه همچنان شاهد حضور خانم ها در ورزشگاه بودیم تا جایی که جایگاه ۵ به طور کامل پر شد و نفعته ها ۵۰۰ نفر، بلکه چیزی بیش از هزار نفر به استادیوم آمده بودند. این طور گفته می شد که بلیت فروشی خارج از سایت هم انجام شده و حتی برخی که نتوانسته بودند به صورت اینترنتی بلیت تهیه کنند مقابل استادیوم آمده و از بازار سیاه بلیت خریده بودند. حتی خبرهایی شنیدیم مبنی بر اینکه بلیت ۵۰ هزار تومانی جایگاه خانم ها تا ۲۰۰ هزار تومان هم در بازار سیاه فروخته شد. بین دو نیمه ناگهان حجم زیادی از هواداران خانم با سر و صدای زیاد که ناشی از تشویق تیم و احساساتی شدن شان بود وارد ورزشگاه شدند. نمی دانیم چطور آنها را راه دادند اما گویا نفراتی بودند که در نهایت بلیت نداشتند و آنقدر برای حضور در ورزشگاه اصرار کردند که با هماهنگی های صورت گرفته مقابل ورزشگاه به آنها بلیت فروخته شد تا حالا که به ورزشگاه آمدند دست خالی برنگردند.

لذت فوتبال با وجود تفاوت ها

یکی از زیبایی های حضور خانم ها در ورزشگاه حضور هر قشر و سن و سال با پوشش های مختلف در کنار هم روی صندلی های جایگاه ۵ بود. در کنار هم با پدرش تفاوت ها بازی را تماشا کردند، گفتند و خندیدند و از حضور در ورزشگاه آزادی و تماشای تیم

محبوب شان لذت بردند. آنها به هر آنچه برای باز شدن در ورزشگاه می خواستند رسیدند و همین برایشان کافی بود. در کنار این دختران سرزمین مادرانی را دیدیم که با فرزندانی در آغوش به تماشای بازی نشستند. جالب بود حضور چند خانم مسن که با پسران شان برای تماشای بازی آمده بودند و آنها روانه جایگاه آقایان شده بودند. دختران جوان در گوشه دیگر ایستاده بازی را تماشا می کردند و لحظه ای ندیدیم که بنشینند. بالاتر از آنها یک خانم جنوبی مسن با عروس و نوه اش به استادیوم آمده بود. جنوبی های عاشق فوتبال زن و مرد نمی شناسند و این دوشادوشی شاید یکی از بهترین اتفاقات ورزشگاه آزادی بود. مادر دختری که برای تماشای بازی آمده بودند سوژه خوبی برای گفت و گو بودند. با آنها هم کلام می گفتند برای بازی های ملی قبلاً به ورزشگاه آمده بودند اما این بار دوست داشتند برای تشویق استقلال بیایند. جالب بود که اینها آمده بودند و این سایت بلیط خریدند و به راحتی بدون هیچ دردسری به ورزشگاه آمدند.

اغلب از میزبانی در ورزشگاه آزادی راضی بودند حتی آنهایی که بچه های یکی، دوساله به آغوش گرفته بودند از شرایط ورزشگاه رضایت داشتند. روی صورت کودکان نقش و نگارهای منقش به عادات استقلالی دیده می شد. عدد محبوب ۷ و حرف انگلیسی ss بیشترین نقوش روی صورت شان بود.

فعالیت جالب لیدرهای خانم

بین دو نیمه با تعدادی خانم با کاورهای سبز هم کلام شدم. دختران جوانی که به نظم بهتر ورزشگاه کمک می کردند و اغلب هواداران را برای قرار گرفتن روی صندلی هایشان راهنمایی می کردند. هر چند تقریباً شماره صندلی محلی از اعراب نداشت و هر که هر کجا دوست داشت می نشست. گویا آنها از طرف فدراسیون آمده بودند و قبلاً هم در دیگر ورزشگاه ها مسئول نظم دهی به سکوی بانوان در رشته هایی چون والیبال و بسکتبال بودند. آنها بیشتر راهنمایی می کردند تا تشویق، چرا که برخی آداب ورزشگاه را هنوز نمی دانستند و این شاید حضورشان را جذاب تر می کرد. اغلب مدام جای خود را تغییر می دادند و به واسطه احساساتی شدن شان به این سو و آن سوی جایگاه می رفتند. می توانم اعتراف کنم تقریباً بیشترشان در اولین حضور، برای تماشای بازی نیامده بودند و تا آخرین دقایق در جو خاص ورزشگاه محو بودند.

بیشتر ین تشویق برای قایدی و سایننتو

مهدی قایدی را خیلی تشویق کردند و او هم به خوبی پاسخ احساسات شان را داد و در کنارشان عکس یادگاری گرفت. درست مثل حسینی که برای خوشامدگویی به عنوان کاپیتان به سوی شان آمد. از نکات جالب دیگر این بازی تشویق می ام سایننتو بود. تا جایی که این مربی پرتغالی احساساتی شد و به سمت شان رفت و



عکاس: سینویدج حسینی / فرهنگستان

لذت فقط به من می رسد اما حالا خوشحالم که می بینم آنها هم آخر هفته خوبی را سپری می کنند.» از او و همسرش پرسیدم نگران حضور دختر دوساله شان در ورزشگاه نیستند که گفتند این یک تفریح خانوادگی است و جای نگرانی نیست. قرار است از این پس جو مردانه استادیوم ها جای خود را به محیط امن خانواده ها بدهد. این یک حرکت مثبت است و باید از بانیانش تشکر کرد. آنها حتی آرزو کردند به زودی همه شهرها صاحب چنین امکاناتی شوند تا بازی ها با حضور خانواده ها برگزار شود و همه مردم ایران از فوتبال لذت ببرند.

نگرانی های بی مورد و نگرانی هایی که هست

سوت پایان زده شد و دختران سرزمینم که برای این بازی به استادیوم آمده بودند با تخلیه هیجانات شان به سمت خانه ها برگشتند. قطعاً نایک شب لذتبخش را سپری کردند. جواستادیم خوب بود و همه چیز به بهترین شکل ممکن انجام شد هیچ اتفاق نگران کننده ای رخ نداد. این بازی تجربه خوبی بود برای اینکه بدانیم هیچ کدام از آن اتفاقات بدی که فکرش را می کردند رخ نداد؛ نه جوی در ورزشگاه حاکم بود و نه آسیبی به کسی رسید. هیچ تعرضی شکل نگرفت. این را که این همه سال می گفتند فضا برای خانم ها مهیا نیست نه در بازی های ملی که پیش تر خانم ها به ورزشگاه آمده بودند و نه در این بازی ندیدیم. در نتیجه ثابت شد که این حضور نه تنها بد نبود، بلکه کمک کرد به اینکه فضای بهتری شکل بگیرد. البته برخی شعارها هم شنیده شد که می تواند روی ادامه حضور بانوان تاثیر گذار باشد. در نتیجه خوب است به این نکته مهم توجه کنیم که برای رسیدن به وضعیت امروز تلاش های زیادی انجام شد و چه خوب که هم مردان و هم زنان هوادار بدانند که نباید وارد بازی های سیاسی این رو و آن رو آب شوند و به این حس زیبایی که دختران سرزمینم دارند بسنده کنند تا این دری که امروز به سبوی آزادی باز شده باز بماند. لازم است این برنامه که استارت خورده، مدیریت شود تا از این پس برخی اتفاقات را به حضور خانم ها گره نزنند و این شادی از مردم گرفته نشود. گام بعدی قطعاً باز شدن در ورزشگاه های دیگر شهرهاست. بدون شک استان های پرتماشاگری چون خوزستان، گیلان، مازندران و بسیاری از استان های دیگر منتظر سربایت این رویه خوب هستند تا روزی شاهد حضور خانواده ها در همه ورزشگاه های ایران برای استفاده از این نشاط اجتماعی باشیم.

از آن خوشحالی های خاص و منحصر به فردش انجام داد. انتظارات همکاری خوبی با خانم ها داشتند، تعداد زیادی از آنها که برای نظم دهی و امنیت سکوی خانم ها در استادیوم مستقر بودند، قبلاً آنها را در بازی های ملی دیده بودیم. آمده بودند و در جوی بسیار دوستانه با هواداران برخورد کردند. کاملاً توجیه بودند و می توانم بگویم رفتارشان با خانم ها حرفه ای بود حتی بهتر از نیروهای انتظامی مرد برخورد می کردند و انگار دل شان با خانم هایی بود که برای اولین بار به استادیوم آمده بودند.

هواداران خانم از ابتدا آنقدر شوکه بودند که اصلاً نمی دانستند چطور باید تشویق کنند، بیشتر جو ورزشگاه آنها را گرفته بود. شعارهایی می دادند که گویا بازی و اصلاً خبری از تهییج بازیکنان نبود، اما خود را با استعداد نشان دادند و خیلی زود یاد گرفتند چطور تشویق کنند. به سرعت با سکوی آقایان که روبه ریشان قرار داشت هماهنگ شدند و مردها موفق شدند آنها را وارد بازی کنند تا جایی که تشویق ایسلندی انجام دادند و انگار مدت ها است استادیوم رفته اند و همه چیز را بلدند.

حضور جالب خانواده ها

از نکات جالب این حضور همین که برخلاف هفته قبل و ادوار گذشته که همواره شعارهای زشت و زننده سر داده می شد، ورزشگاه آزادی یکی از پاک ترین روزهای خود را سپری کرد. باید اعتراف کنم که هیچ شعار زننده ای شنیده نشد. البته بودند هوادارانی که در شرایط حساس توهین هایی کردند اما این توهین ها کجا و آن شعارهای زننده و فحاشی هایی که از رشت ترین اتفاقات فوتبال بود کجا. این حضور را باید به فال نیک گرفت؛ چرا که خوشقدم ها در اولین گام ورزشگاه را از شعارهای مشتمل کننده پاک کردند. پیش از این خیلی ها فکر می کردند با جوی که در جامعه وجود دارد شاید حضور خانم ها در استادیوم دردی را دوا نکنند و آنها هم نتوانند زشتی های روی سکوها را پاک کنند اما این حضور ۹۰ دقیقه ای کافی بود تا نشان دهد اتفاقاً بسیار کمک کرد و هواداران مرد مستقیلاً خوبی برای هواداران خانم بودند.

برخی با خانواده آمده بودند؛ یک آقا، همسر و دو دخترش را به آزادی آورده بود. او می گفت: «درست است که جدا از هم می نشینیم اما همین که با هم آمدم و آنها هم از این شب آخر هفته مثل من لذت می برند خوشحالم. قبلاً وقتی می خواستم برای تماشای فوتبال بیایم ناراحت بودم که خانواده ام باید در منزل تنها بمانند و این